پژوهش نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۳۴۷ـ۳۶۶ (مقاله پژوهشی)

No. 25, Autumn & Winter 2019/2020

نظریه «نظم» عبدالقاهر جرجانی و واکاوی آن در سوره مبارکه «مریم» (ع)

اسماعیل یارمحمدی[۱]، سیدابوالفضل سجادی[۲]، ابراهیم اناری بزچلوئی[۳]، محمود شهبازی[٤]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۱۲ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۱/۲۱)

چکیده

یکی از بنیادی‌ترین نظریه‌های بلاغت، نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی است. این نظریه مولود تفکر در اعجاز قرآن کریم بوده که چارچوب آن به دست عبدالقاهر جرجانی کامل، و تبدیل به علمی شد که از مهمترین علوم در کشف اسرار اعجاز قرآنی محسوب می‌شود، عبدالقاهر معتقد است علم بلاغت علم واحدی است که مباحث آن شاخه شاخه می‌شود لذا در دلائل الاعجاز علم معانی را «نظم» نامید، این نظریه در برگیرنده مباحث بلاغت، نحو، و نقد می‌باشد وی به یک اثر به عنوان یک کل می‌نگرد که تا زمانی که اجزای کلام در کنار هم قرار نگرفته باشند نمی‌توان برای آن ارزشی قایل شد. عبدالقاهر توانست با نظریه اش معیار ،وپایه‌ای را بنا نهد که ناقدان بتوانند به واسطه آن زیبایی یک اثر را ارزیابی کنند، که بر این اساس سوره مبارکه «مریم» (ع) با روش توصیفی و تحلیلی مورد واکاوی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان از ساختار منظم نحوی و بلاغی سوره مبارکه با استفاده از تکنیک تکرار، حذف، تقدیم و تاخیر، داشته، و تمامی واژگان در این سوره در جایگاه مناسب خود و بر اساس فضای کلی سوره دقیق به کار رفته است.

کلید واژه‌ها: *قرآن کریم، نظریه نظم جرجانی، سوره مریم، عناصر زیبایی‌شناسی.*

---

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک.
۲. دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک، (نویسنده مسئول)؛ A-sajady@araku.ac.ir
۳. دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک.
۴. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

۱ـ بیان مساله

از آنجایی که از دیر باز علوم بلاغی نقش گسترده‌ای در تحلیل و تبیین جنبه‌های اعجاز قرآن داشته است پژوهش حاضر بر آن است که یکی از بنیادی ترین، و کلیدی ترین مباحث که همان نظریه «نظم» عبدالقاهر جرجانی است را مورد مطالعه قرار داده، و ساختارهای آن را در سوره مبارکه «مریم»(ع) مورد تحلیل و واکاوی قرار دهد.

برای تبیین موضوع ابتدا به صورت موجز به «نظم»، و به اشاراتی که قبل از جرجانی به مبحث نظم شده است پرداخته می‌شود سپس به تکامل این نظریه توسط عبدالقاهر پرداخته، و عناصر «نظم» در سوره مبارکه «مریم» تبیین، و جنبه‌های اعجاز نظم قرآن در سوره مورد اشاره به طور خلاصه بیان، و تلاش می‌شود با پاسخ به پرسش‌های زیر گوشه‌ای از زیبائی‌های نهفته در این سوره مبارکه بیان شود.

ـ تاثیر ترکیب آیات بر اساس نظریه نظم بر معنای آن چگونه است؟

ـ زیبایی‌های ساختاری قرآن در سوره مریم با محوریت نظم چگونه است؟

۲ـ مقدمه

مساله اعجاز قرآن کریم از دیرباز باعث شد که مباحث گوناگونی در زمینهٔ فصاحت و بلاغت آن صورت گیرد، سخن از اعجاز قرآن در نیمه‌های قرن دوم هجری، هم زمان با ظهور فرقه معتزله به صورت علمی و منظم آغاز گردید. (حمصی، ۴۰). یکی از مباحثی که ذیل بررسی اعجاز بلاغی قرآن کریم مطرح شد سخن از لفظ و معنا بود که منجر به ظهور نظریه «نظم» گردید که در این بین برخی چون جاحظ، و ابوهلال عسکری و قدامه جانب لفظ را گرفته و فصاحت را به الفاظ می‌دادند چنانچه جاحظ اشاره می‌کند: «المعانی مطروحة فی الطریق...» (یعنی معانی رها شده در راه است ...) به عقیده وی معانی در اختیار همه است و چگونگی بیان آن است که ارزش دارد (جاحظ، ۱۳۱). و ابوهلال در کتاب «صناعتین» در ترجیح لفظ می‌گوید «معانی را عربی زبان و عجمی زبان و اهل قراء و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

صحرانشینان همه می‌شناسند غرض، جودت و صفای لفظ و خوبی و روشنی و تازگی و روانی آن است» (صالح الضامن، ۱۹).

و برخی چون ابن اثیر اهمیت را به جانب معنا می‌دهد و معنا را جان کلام می‌داند که بدون آن لفظ اهمیتی ندارد (ابن‌اثیر، ۱۳۷). چنانچه از بررسی آراء و اندیشه‌های آنان برمی‌آید توجه غالب آنها به جزء بوده است و از توجه و نگاه به کل و ساختار متن غافل بوده‌اند؛ اما عبدالقاهر جرجانی معتقد بود که در کار آفرینش ادبی، هیچ فاصله‌ای را میان دو عنصر لفظ و معنا نمی‌توان تصور کرد و فضیلت یک اثر را نمی‌توان به یکی از آنها نسبت داد، (العشماوی، ۸۸،۸۹). حقیقتی که از سخنان عبدالقاهر قابل استنباط است این است که فضیلت و برتری در کلام سخنوران به لفظ ـ به اعتبار مفرد بودن آن و یا به اعتبار صفات ظاهری آن ـ برنمی‌گردد، بلکه به اعتبار توان لفظ در بیان معنای مورد نظر است.

از دید عبدالقاهر آنچه سبب برتری یک نویسنده و متن بر نویسنده و متن دیگر می‌شود، بستگی به میزان مهارت نویسنده و تشخیص ابزارها و کارکردهای بلاغی هر یک در ترکیب کلام دارد (فتوحی، ۴).

۳ـ پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در حوزه‌های مختلف، پژوهش‌های زیادی چه به صورت کتاب یا پایان‌نامه یا مقاله به زبانهای فارسی و یا عربی به رشته تحریر در آمده است[1] اما پژوهشی که مرتبط با این موضوع و مخصوص سوره مریم باشد در پژوهش‌های

---

۱. به عنوان نمونه تعدادی از این آثار عبارتند از: بررسی زیبایی شناسی جزء سی‌ام قرآن کریم بر اساس نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی (حسین گلی، ۱۳۹۵، فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های ادبی ـ قرآنی»، سال چهارم، شماره چهارم): نگارنده در این مقاله به تاریخچه پیدایش زیبایی‌شناسی، و به انسجام در بافت موضوعی سوره‌ها و تاثیر نظم ایقاعی در ارتباط با زیبایی لفظ و معنا پرداخته است.

ـ نظریه نظم امام عبدالقاهر جرجانی (محمد هادی مرادی، ۱۳۸۵ش، مجله زبان و ادب شماره ۲۹، سال نهم): محقق در این مقاله به ترجمه و تحقیق نظریه نظم امام عبدالقاهر جرجانی نوشته محمد زکی العشماوی پرداخته← → و تعلیق‌های خود را به صورت پاورقی در این مقاله آورده است.

ـ الإعجاز القرآنی و نظریة النظم (حاتم صالح الضامن،۱۴۲۴، مجلة آفاق الثقافیة): نگارنده پس از بیان لغوی نظم در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

داخلی و خارجی یافت نشد. از این‌رو پـژوهش حاضـر در نـوع خـود اثـری نـو و بـدیع محسوب می‌شود.

٤ـ نظریه «نظم»

٤ـ١. نظم قبل از عبدالقاهر

پیش از عبدالقاهر اندیشه‌هایی در خصوص نظریه نظم مطرح گردید کـه از جملـه آنهـا می‌توان از جاحظ (ت ۱۰۵)، أبوهلال عسکری (ت۳۹۵هـ) أبوالحسـن رمـانی، ابوسـلیمان خطابی (۳۸۸هـ)، ابوبکر باقلانی (۴۰۳هـ) نام برد. که هر یک به نحوی تحلیل خـود را در خصوص نظم قرآن بیان نمودند؛ چنانچه جاحظ نظم را در حسن کلام، و سـهولت تلفـظ، و قبول معنا می‌دانست (عبدالمنعم خفـاجی و آخـرون، ۴۶) چیـزی کـه از کـلام جـاحظ در خصوص نظم برداشت می‌شود این است که نظم در فصـاحت و شـیوایی و وضـوح الفـاظ آشکار می‌شود، و نظم در نزد ابوهلال «چینش صحیح کلمات به طوری که هر لفظ در مکان خود قرار گیرد، و در آن تقدیم و تاخیر، و حذف و اضافه‌ای صورت نگیرد» (حاتم صـالح، ۱۹). اما از نظر «رمانی» برترین مرتبه نظم، سخن نیکویی است که همه محاسن را در خـود جمع کرده باشد به طوری که نفس آن را بپذیرد و به راحتی بتـوان آن را بـر زبـان جـاری ساخت (همو، ۴۶). اما «خطابی» معتقد است که قرآن به خـاطر نظـم و تـالیف شـگرف آن معجزه است که برترین معانی را در دل خود داشته و ساختار آن بر سه پایه لفـظ و معنـا و رابط بین آن استوار است (عبدالسلام، ۳۲۱). وی همچنین معتقـد اسـت نظـم کـار سـاده و

نزد لغت دانان، پیشینه و قدمت نظریه نظم را بررسی کرده و سپس به جستجوهای ریشه‌ای این بحـث در میـان آراء نحویان، ادباء، بلاغت‌دانان، و نیز مؤلفان کتابهای اعجاز قران پرداخته، و در نهایت آثار موجود در زمینه نظم قرآن و مؤلف‌های آنها را معرفی می‌کند.

از پایان‌نامه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ـ النظم القرآنی فی سورة یوسف (جمال رفیق یوسف الحاج علی، ۲۰۰۰م، دانشگاه النجاح الوطنیة نابلس).

ـ دراسة الاسالیب فی سورة یوسف علی ضوء نظریة النظم (ولید عبدالله قائم مقامی،۱۳۹۲ش، دانشگاه علامه طباطبایی).

ـ نظریة المعنی عند عبدالقاهر الجرجانی من خلال شرح و تعلیق، و ترجمه دلائل الاعجاز (فاطمـه کـاظمی، ۱۳۹۵ش، دانشگاه علامه طباطبایی).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

آسانی نبوده بلکه احتیاج به مهارت و فرهنگ دارد (عبدالعاطی، ۲۵)، اما عتابی معتقد است «واژگان در حکم جسم‌اند و معانی در حکم روح که تنها با چشم دل می‌توان آن را دید و اگر چیزی که مقدم است را مؤخر به کار ببریم یا برعکس، تصویر بهم ریخته و معنی فاسد می‌شود. (حاتم الصالح، ۱۸). نکته‌ای که برداشت می‌شود الفاظ نسبت به معنی در حکم جسم نسبت به روح بوده که بر این اساس هر واژه باید در مکانی که شایسته است به کار رود تا منجر به فساد معنا نگردد.

چنانچه از مطالب عنوان شده برمی‌آید هر یک از متفکران به نوعی به نظم اشاره کرده‌اند بدون اینکه چارچوب و ساختار خاصی برای آن ترسیم کنند، و بیشتر به چینش و نظم کلمات توجه داشته‌اند.

٤ـ۲. عبدالقاهر و نظریه نظم

٤ـ۲ـ۱. عبدالقاهر جرجانی

عبدالقاهر جرجانی نحوی مشهور و نابغه زمان خود، متفکر شهیر ایرانی، شیخ بلاغت و مؤسس آن در مطلع قرن پنجم هجری در گرگان (بین طبرستان و خراسان) دیده به جهان گشود، طبق گفته همه تذکره‌نویسان تمام زندگی خود را در شهر خود سپری کرد، و برخلاف غالب علما، شهر و دیار خود را در جست و جوی علم ترک نکرد. تذکره نویسان برای ولادت وی تاریخ دقیقی را ذکر نکرده‌اند اما سال وفات وی را ۴۷۱هـ و برخی ۴۷۴هـ دانسته‌اند. (الکتبی، ۲۹۷/۱؛ ابن‌العماد، ۳۴۰/۲). با توجه به کثرت تحقیقات در خصوص زندگی‌نامه عبدالقاهر جرجانی می‌توان به آثار نویسندگان معاصر که به چند مورد اشاره می‌شود مراجعه کرد.

ـ احمد بدوی، «عبدالقاهرالجرجانی صاحب علم المعانی و البیان»، (۸۷ـ۹۴).

ـ احمد مطلوب، «عبدالقاهر الجرجانی حیاته و آثاره»، (۵ـ۴۶).

ـ مازن المبارک در کتاب، «الموجز فی تاریخ البلاغة العربیة» (۸۹ـ۱۰۴).

٤ـ۲ـ۲. نظریه «نظم»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

همانگونه که در بخش قبل اشاره شد نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی به مانند هـر نظریـه علمی دیگر ناگهان به وجود نیامد؛ بلکه عبدالقاهر از تلاشهای علمـی دانشـمندان پـیش از خود بهره گرفت، چنانچه عبدالقادر حسین می‌گوید «اگرچه ابتکار نظریه نظم به سبب بسط و تفصیل این نظریه و تطبیق آن بر بیشتر ابواب بلاغت به عبدالقاهر منسوب می‌شـود بایـد گفت این سیبویه بود که چراغ را بـه دسـت عبـدالقاهر داد وراه را بـر او روشـن سـاخت» (حسین، ۱۱۴).

در این مجال سعی می‌شود برای فهم بهتر موضوع و اشراف به نظریـه «نظـم» بـه تبیـین نظریه از نگاه خود جرجانی پرداخته شود.

جرجانی منظور خود از «نظم» را به صورت‌های زیر بیان داشته است.

۱ـ ".... لیس هو {النظم} شیئاً غیر توخی معانی هـذا العلـم {النحـو} و أحکامـه بـین الکلم" یعنی: نظم چیزی جز قصد معـانی نحـو و احکـام علـم نحـو در کـلام نیسـت، کـه منظورش از نظم به کارگیری قواعد، و احکام علم نحو است (جرجانی، ۷۳ـ۷۵).

۲ـ "واعلم أنَّ لیس النظم إلا أن تضع کلامک الوضع الذی یقتضیه علم النحو، تعمل علی قوانینه و اصوله". یعنی: بدان که «نظم» چیزی جز این نیست که سـخن خـود را بـر اسـاس آنچه «علم نحو» اقتضاء می‌کند بنا نهی و مطابق قوانین و اصول آن عمل کنی. (همو، ۷۹).

چرا که ما آنچه را که خالق اثر در پی آن است نمی‌دانیم مگر اینکـه حالتهـای مختلـف و تفاوت‌های آن را مورد مداقه قرار دهیم؛ مثلا در باب «خبر» به تفاوتهای آن با دقت بنگرد بـه عنوان نمونه: زیدٌمنطلقٌ/ زیدٌ ینطلق/ ینطلق زیدٌ/ منطلقٌ زیدٌ/ زیدٌ المنطلـق/ المنطلـق زیـدٌ/ زیدٌ هو المنطلق/ زیدٌ هو منطلقٌ/ و... و بداند که کدام سخن را در چه جایگاهی به کار ببرد.

در نظر جرجانی نحو علمی است که نقاب از چهره معـانی مـی‌گشـاید، و منظـور او از معانی آن صورتها و الوان گوناگون درونی است که از خلال ارتباط متقابل بخشهای مختلف کلام به درک آنها دست می‌یابیم، عبدالقاهر دو دانش «نحو» و «معانی» را درهم می‌آمیـزد و از مسأله سطحی صحت یا عدم صحت تراکیب کلام می‌گذرد و درست یـا نادرسـت بـودن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

کلام را به معانی نحو، و، ویژگی‌های دقیق و گوناگونی که در شیوه بـه کـار گیـری واژه‌هـا وجود دارد نسبت می‌دهد.

۳ـ "تعلیق الکلام بعضها ببعض". یعنی: ترکیب و ارتباط کلمات با یکـدیگر (همـو، ۴۴) چنانچه برمی‌آید نظم مفهوم مرکبی است که عناصـری از جملـه: تعلیـق، اسـناد، سـاختار، ترتیب، و معانی نحو را دربرمی‌گیرد، تمام حسان اشاره می‌کند «وأما أخطر شئٍ تکلـم فیـه عبدالقاهر الجرجانی علی الاطلاق، فلم یکن النظم و البناء و لا الترتیب و إنما کان «التعلیـق» و قد قصد به... انشاء العلاقات بین المعانی اللغویة بـواسـطة مـا یسـمی بـالقرائن اللفظیـة و المعنویة و الحالیة» یعنی: اما بزرگترین چیـزی کـه عبـدالقاهر از آن صـحبت کـرده نظـم و ساختار و حتی ترتیب عبارات نبود؛ بلکه تنها «تعلیق» بوده، که هدفش از آن ایجاد روابـط بین معانی زبان شناختی با کمک از قرائن لفظ و معنا و حال بوده است (تمام حسان، ۱۸۸).

امتیاز و برتری گوینده در توانایی و مهارت او در حُسن تشکیل و تالیف اجـزای کـلام معلوم می‌شود و امتیاز سخن به حسن همنشینی کلمات در سـاختاری مـنظم و منسـجم، و آگاهی گوینده از جایگاه صحیح کلمات می‌باشد.

جرجانی معتقد است که یک کلمه به تنهایی و بدون در نظر گرفتن روابط هم‌نشـینی آن با دیگر کلمات مجاور و بنابر احوالات مختلف، به خودی خود هیچ‌گونه برتـری و مزیتـی ندارد (همو، ۵۵).

عبدالقاهر در نظریه نظم به بیان هنری کلام و چیزی فراتر از صحت کلام مـی‌اندیشـد چنانچه در کتاب دلائل الاعجاز نظـم را دو گونـه مـی‌بینـد: اول نظمـی کـه از روی روش صورت می‌پذیرد، و دیگری نظمی که گوینده در ورای آن فکر و روش چندانی را بـه کـار نمی‌برد بلکه به کلماتش نظم می‌دهد. (همو، ۶۴).

عبدالحسین زرین کوب درباره نظریه نظم می‌نویسد «عبدالقاهر در بیان حقیقت و اعجاز قرآن رأیی تازه ابداع کرد و مدعی شد که بلاغت نه به لفظ تنهاست و نه بـه معنـی صـرف بلکه قائم بر حسن نظم و ترتیب اتساق معانی و الفاظ است، به عقیده وی بلاغـت عبـارت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

بود از این که کلام نظمی و ترتیبی داشته باشد مناسب با آنچه در ذهن و خاطر گوینـده بـر همان نظم و ترتیب اتساق می‌یابد، و نحو کلام هم تابع همین نظم و ترتیب معنوی اسـت، و الفاظ خادم معانی هستند» (زرین‌کوب، ۱۶۷). بررسی‌ها نشان می‌دهد که عبـدالقاهر بـرای شرح نظریه نظم از سه منظر اساسی یعنی از «لحاظ لفظی»، از «لحاظ ساختار نحـوی»، و از «لحاظ ساختار معنایی» پرداخته است.

به‌طور خلاصه می‌توان دیدگاه عبدالقاهر در باره نظریه نظم را به شکل زیر بیان کرد:

أ) از نظر عبدالقاهر لفظ تابع معناست که این تابعیت از رهگذر نحو صورت می‌گیرد.

ب) از نظر وی نظم، نظم معانی است نه نظم الفاظ، بـه عبـارت دیگـر لفـظ پیوسـته در خدمت و پیرو موقعیتی است که معنا آن را ایجاد می‌کند.

ج) از نظر وی ساختار جمله و نحوه‌ی ترکیـب، و گـزینش و چیـنش واژه‌هاسـت کـه مهم‌ترین اثر را دارد.

د) ساختار واضح و روشن، مولود معنای واضح و روشن می‌باشد.

۵ـ سوره مریم، موضوع‌بندی و غرض اصلی

۵ـ۱. تعداد آیات و موقعیت آن در قرآن و غرض از آن

سوره مریم نوزدهمین سوره از قرآن مشتمل بر ۹۸ آیه است که به اتفـاق آراء مفسـران قبل از هجرت در مکه نازل شده (آلوسی، ۳۷۷/۸؛ طباطبایی، ۷/۱۴؛ فخررازی ،۵۰۵/۲۱؛ طوسی، ۱۰۱/۷). این سوره به لحاظ حجم آیات جزء سوره‌های مئین[۱] محسوب مـی‌شـود، محتوای اصلی سوره بر اساس دیدگاه مفسران در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱ـ توحید ۲ـ رحمت الهی ۳ـ بشارت و انذار ۴ـ ذکر داستانهای انبیاء، به طوری که بـیش از نیمی از آیات به این امر اختصاص دارد: أ) داستان حضرت زکریا (۲ تا ۱۲) ب) حضـرت مـریم و عیسی (۱۶ـ۳۶) ج) حضرت ابراهیم (۴۱ـ۴۹) د) حضرت یحیـی (۱۲ـــ۱۵) هـــ) حضـرت

۱. مئین: سوره‌هایی که شامل صد آیه یا کمی کمتر یا کمی بیشتر باشند، مانند: کهف، طه، انبیاء، حج، ... (سیوطی ۱۰۹/۱).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

موسی (۵۱ـ۵۳) و) اسماعیل (۵۴ـ۵۵) ز) ادریس (۵۶ـ۵۷) اشاره شده است.

با بررسی سیاق ابتدایی و انتهایی آیات و محتوای آیه‌ها غرض اصلی سوره استخراج می‌شود که کلید اصلی و محوری آیات بر مدار رحمت الهی بوده و بر اساس همین رحمت الهی مفاهیم بشارت و انذار تبیین شده و همچنین تنزیه خداوند از فرزند و شریک، و اثبات وحدانیت خداوند از اغراض این سوره می‌باشد.

۶ـ عناصر نظم قرآنی در سوره مبارکه مریم و تحلیل آنها

۶ـ۱. تقدیم و تاخیر

تقدیم و تأخیر از مهمترین مباحث علم معانی به شمار آمده است عبدالقاهر در کتاب دلائل الاعجاز فصل کاملی که قریب به ۴۱ صفحه می‌باشد به این امر اختصاص داده است، و آن را فصلی پر فایده و سرشار از محاسن دانسته که جابجایی مکانی لفظی را باعث جذابیت و پویا بودن عبارت می‌داند (جرجانی، ۱۰۶). عبدالقاهر در این فصل پدیده تقدیم و تاخیر را در اسالیب استفهام، و خبر مثبت و منفی بررسی کرده است مبحث تقدیم در نزد وی به دو شکل می‌آید ۱ـ تقدیمی که بر نیت تاخیر باشد که در این حالت، مقدم، حکم اعرابی قبل را حفظ می‌کند چون تقدیم خبر بر مبتدا، یا مفعول بر فاعل ۲ـ تقدیمی که بر نیت تاخیر نباشد، در این حالت کلمه از نقشی به نقش دیگری تغییر حالت می‌دهد مانند: «زید المنطلق» و «المنطلق زید» که اعراب زید و منطلق با تغییر ترکیب تغییر می‌کند (همو ۱۰۶ـ۱۰۷).

به نظر می‌رسد آنچه بیشتر اهمیت داشته و با حوزه زیبایی‌شناختی متن ارتباط استوارتری دارد تقدیم نوع اول یعنی تقدیم با نیت تاخیر است که در این حالت می‌توان برای آن اهداف بلاغی تصور کرد در حالی که در حالت دوم بیشتر شاهد تغییرات نحوی هستیم.

با نگاهی به سوره مبارکه «مریم»ع موارد زیادی از تقدیم و تاخیر می‌بینیم که اجمالا به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم؛ تقدیم مسند الیه ـ که اصل بر تقدیم آن است مگر اینکه غرض بلاغی خاصی در ورای آن باشد ـ بیشتر در تقویت حکم یا اختصاص آمده است،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

در آیه ۵۸ سوره مبارکه مریم(ع) «**أُولَئِکَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ ...**» تقدیم مسندالیه (أُولَئِکَ) دلالت بر تقویت معنا، و اختصاص انعام فقط به مومنین داشته است. عبدالقاهر اشاره می‌کند: «تقدیم مسندالیه در سیاق وعده و وعید و تبشیر که در آن تاکید و ضمان بر حدوث فعل است زیاد می‌باشد» (جرجانی، ۱۰۳). از جمله آیه «**فَأُولَئِکَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا یُظْلَمُونَ شَیْئًا**» (مریم،۶۰) که ساختار این آیه، وعده ورود به بهشت بوده که تقدیم مسندالیه برای تقویت این وعده و تاکید بر این بشارت است.

زمخشری معتقد است همان‌گونه که چینش و گزینش واژه‌ها در قرآن به دلایل بلاغی صورت گرفته، چینش اجزای جمله‌ها نیز از ساختار متعارف نحوی خارج شده و براساس نظم خاص قرآن است. زمخشری معتقد است تقدیم و تأخیر در اجزای جمله‌ها و عبارات قرآنی به علتی بلاغی صورت گرفته است. چنان‌که در «**قالَت إِنِّی أَعُوذُ بِالرَّحمنِ مِنکَ إِن کُنتَ تَقِیًّا**» (مریم، ۱۸)، جواب شرط مقدم بر شرط بیان شده است. در واقع حضرت مریم سلام‌الله‌علیها بلافاصله بعد از مواجهه با فرستاده الهی و قبل از بیان شرط، جواب شرط یعنی پناه بردن به خدای رحمان را مطرح می‌کند که از ترس و اضطراب وی حکایت دارد (زمخشری، ۹/۳).

گاهی اوقات به خاطر مباحث بلاغی تقدیم را در متعلقات می‌بینیم؛ مانند: «**قَالَ کَذَلِکَ قَالَ رَبُّکَ هُوَ عَلَیَّ هَیِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُکَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَکُ شَیْئًا**» (مریم، ۹) که در این آیه جارومجرور «علیّ» بر مسند «هیّن» مقدم شده است چرا که سیاق موضوع متعلق به خداوند و قدرتش بوده است و این تقدیم دلالت بر اختصاص داشته به جای اینکه بیان کند «هو هین علیّ» می‌فرماید: «هوعلیّ هیّن» یعنی با وجود این که حتی تصور این امر ـ به دنیا آوردن فرزند توسط زنی نازا ـ بر شما دشوار است بر من آسان است. و در تقدیم جارومجرور در آیه «**وَإِلَیْنَا یُرْجَعُونَ**» (مریم، ۴۰) تقدیم بیانگر قصر بوده یعنی فقط به سوی ما برمی‌گردند، البته این تقدیم نسبت به مسلمین اهتمام و نسبت به مشرکین قصر محسوب می‌شود.

با بررسی آیات به این نتیجه می‌رسیم که هر کس در هر جا موضوع بحث و محور

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

توجه بوده مقدم شده است. چنانچه این امر با حضرت مریم (ع) در آیاتی که موضوع و محور سخن بوده صورت گرفته است. «... **فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَراً سَوِيًّا**» (مریم، ۱۷)، «... **لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا**» (مریم، ۱۹)، «**فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا**» (مریم، ۲۴)، «**وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا**» (مریم، ۲۵). می‌بینیم کلمات (تحتکِ، إلیها، لکِ، علیکِ)، برای توجه به حضرت مریم(ع)، و برگرداندن نگاه‌ها به حضرت، مقدم شده است.

شواهدی که ذکر شد نشان می‌دهد واژگان، عبارات، و جمله‌ها براساس نظم خاصی کنار یکدیگر چیده شده‌اند، و همین نظم در چینش واژه‌ها و عبارتهاست که باعث برتری متن قرآن بر سایر کلام‌ها می‌باشد، به گونه‌ای که تغییر این نظم اساسا معانی را نیز تغییر خواهد داد.

۶ـ۲. حذف

حذف مظهری از مظاهر بلاغت قرآن کریم بوده چنانچه عبدالقاهر اشاره می کند «هو باب دقیق المسلک، لطیف المأخذ، عجیب الأثر، شبیه بالسحر...» یعنی: سازوکار حذف بابی است ظریف، دقیق، شگفت‌انگیز، شبیه به سحرو جادو (همو، ۱۴۶). به همین خاطر مساله حذف در قرآن زیاد قابل مشاهده است. تا جایی که کمتر سوره‌ای را می‌بینم که در آن حذف اتفاق نیفتاده باشد؛ چنانچه مصطفی عبدالسلام ابوشادی بیش از صد موضع حذف موصوف و هفتاد موضع حذف مضاف‌الیه را احصاء کرده است (أبوشادی، ۵۹۵).

می‌توان گفت یکی از موارد علت حذف، احترام قرآن کریم بر عقلانیت مخاطب، و آگاه ساختن وی باشد چرا که به محض برخورد با حذف جزئی یا... چاره‌ای جز توجه، و تفکر، و تلاش برای یافتن محذوف نمی‌بیند، و در هر موضعی از مواضع حذف یا از قبل آیه یا بعد آیه، و یا آیه‌های همسان آن در قرآن کریم می‌تواند به آن پی ببرد (همو، ۱۵۲ـــ۱۵۷). امام علی(ع) می‌فرماید «بلیغی راندیدم مگر اینکه الفاظش مختصر و معانی و مفاهیمش بسیار باشد» (عسگری، ۱۳). به عقیده هلیدی «حذف، نوعی جایگزین در سطح دستوری

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

است که در ان عنصری با هیچ جایگزین می‌شود (سجودی و صادقی، ۷۳). از وجوه حذف در ترکیب‌های اسنادی حذف مبتدا می‌باشد چنانچه جرجانی بر اهمیت زیادی که این نوع حذف در ربط بین جملات مخصوصا در باب وصل و فصل بدست می‌آورد تمرکز کرده است. (جرجانی، ۵۸)، وی بیشترین أشکال حذف را حذف مفعول به می‌داند. با نگاهی به سوره مبارکه مریم به موارد متعددی از حذف برمی‌خوریم که به اختصار به مواردی از آن اشاره می‌شود: در آیه «**قَالَ رَبِّ إِنِّی...**» (مریم، ۴) می‌بینیم که حرف ندا «یا» برای دلالت بر نهایت تقرب، و کمال تعظیم و تنزیه حذف شده است، چرا که ندا به نوعی معنای امر را در دل خود دارد. یا در آیه «**وَإِنِّی خِفْتُ الْمَوَالِیَ مِنْ وَرَائِی وَکَانَتِ امْرَأَتِی عَاقِرًا فَهَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا**» (مریم، ۵) در این آیه متعلق ظرف در «من ورائی» برای توجه ذهن به آن حذف شده است که تقدیر آن «خفتُ فعل الموالی» یعنی: از کار خویشاوندانم می‌ترسم یا «خفتُ الذین یلومون الامر من ورائی» که در آن ایجاز حذف جمله می‌باشد. (زمخشری، ۴/۳؛ آلوسی، ۳۸۱/۸ـ۳۸۲). زمخشری تعلق «من ورائی» را به «خفتُ» به خاطر فساد معنا رد می کند چرا که خوف بعد از مرگ را محال می‌داند (زمخشری، همو، ۴).گاهی اوقات به خاطر سیاق عبارت حذف بخشی از کلام را شاهد هستیم چنانچه در آیه «**قَالَتْ إِنِّی أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْکَ إِنْ کُنْتَ تَقِیًّا**» (مریم، ۱۸) جواب شرط حذف شده است که تقدیر آن «**فانی عائذةٌ منک**» که به نوعی در آن مبالغه وجود دارد یعنی با وجود متقی بودن از تو، به خداوند پناه می‌برم چه برسد که متقی و پرهیزکار نباشی.

۶ـ۳. تکرار

تکرار در زیبایی شناسی هنر از مسائل مهم و اساسی است «صدای غیر موسیقایی و نامنظم را که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه روح می‌دانند» (شمیسا، ۸۹). موضوع تکرار آیات و الفاظ در قرآن کریم از این جهت حائز اهمیت هست که تکرار در علوم بلاغی از جمله عوامل اطناب محسوب شده و مخل فصاحت می باشد به همین خاطر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

محققان در صدد بیان فواید تکرار بوده‌اند، یکی از بارزترین عوامل پدید آورنده ساختار موسیقایی سوره مبارکه «مریم»، تکرار است.

پژوهشگران فواید متعددی برای موضوع تکرار بیان کرده‌اند از جمله: أـ مقبولیت کلام (عبدالقادر، ۱۱۸) بـ ترس از فراموشی مخاطب در صورت طولانی شدن کلام (همو، ۱۱۸) جـ تعظیم و تهدید (همو، ۱۱۸) دـ شیوع و اهمیت داشتن در جامعه (حفنی، ۸۹).

تکرار در قرآن به صورت تکرار داستانها و اخبار، و تکرار الفاظ و عبارات آمده است، تکرار عبارت «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ...» ۵ مرتبه (آیات: ۱۶ـ۴۱ـ۵۱ـ۵۴ـ۵۶) در سوره مبارکه مریم(ع) دلیلی است بر اینکه بر یگانه بودن مرجعیت قران در مورد اخبار مربوط به پیامبران تاکید نماید، و همچنین تکرار لفظ جلاله «رَبّ» و «الرّحمن» و عبارت «یا أبتِ» در این سوره مبارکه از جایگاه والایی برخوردارند؛ چنانچه لفظ «رب» چه به صورت مجرد از ضمیر و چه مضاف به ضمیر ۲۳ بار تکرار شده است که این امر به معنای ربوبیت و عبودیت در مقام مناجات بنده با خالقش مورد نظر است، در مورد تفاوت لفظ «الله» با «رب» چنین گفته شده «رب» در موضع تربیت و «الله» در موضع خداپرستی ذکر می‌شود» (سید قطب، ۱۵۵). «رب» نه تنها در میان اسماءالحسنای سوره بیشترین کاربرد را دارد بلکه بالاترین میزان تکرار در کل واژگان سوره را دارد، ضمن اینکه «رب» در این سوره حدود سه برابر لفظ جلاله «الله» به‌کاررفته این در حالی است که در کل قرآن واژه «الله» حدود سه برابر «رب» به‌کار رفته است (خامه‌گر، ۳۲۶). خداوند عزوجل به دلیل غم و اندوهی که (حضرت زکریا (ع) ـ حضرت مریم(ع) ـ حضرت ابراهیم(ع)) دارند با این لفظ به آنها آرامش می‌دهد، چرا که واژه «رب» دل را نرم کرده و طراوت ایمان را در آن برمی‌انگیزاند، از این‌رو این تکرار بر فضای سوره که فضای رحمت و بشارت است تأثیر قابل توجهی دارد (کواز، ۳۶۳) از این رو تکرار کلمه «ربّ» در این سوره در عین فصاحت دارای فایده است؛ چنانچه در آیات (۴ـ۹) زکریا(ع) در مقام راز و نیاز با خداوند ۵ مرتبه این کلمه را تکرار می‌کند که این تکرار تأثیر قوی بر جان شنونده دارد که با یکبار آمدن، آن تأثیر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

ایجاد نمی‌شود.

لفظ «الرحمن» ۱۶ بار در این سوره تکرار شده است که این امر خود اهل خرد را به تامل و تفکر در خصوص دلائل این تکرار وامی‌دارد، اهمیت امر زمانی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم لفظ «رحمن» در کل قرآن ۵۷ بار آمده است ـ بجز بسملهٔ ـ که نشان می‌دهد بیش از یک چهارم کاربرد آن در این سوره می‌باشد، حتی سوره «الرحمن» که به این نام نیز متبرک است تنها یکبار این لفظ در آن به کار رفته است، به نظر می‌رسد اهمیت بحث از أسرار این إصرار قرآنی در کاربرد این لفظ آشکار می‌شود که تمام این امور اشاره به وسعت رحمت الهی که کل این سوره را در برمی‌گیرد دارد، چنانچه شروع سوره سخن از رحمت «**ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا**» (مریم، ۲) و پایان سوره با «**إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا**» (مریم، ۹۶) می‌باشد. و این امور بیانگر این است که رحمت الهی هم در دنیا و هم در آخرت شامل انسان می‌شود و شاید در همه اینها دعوتی برای مومنین در اشاعه فرهنگ رحمت و مهربانی و گذشت نسبت به یکدیگر باشد.

عبارت «یا أبت» ۴ بار (آیات ۴۲ـ ۴۵) در سوره «مریم» تکرار شده، و همه آنها از زبان حضرت ابراهیم (ع) آمده است

که می‌توان هدف از این تکرار را برقراری ارتباط عاطفی قبل از آغاز دعوتش به راه حق و هدایت دانست، چنانچه زمخشری اشاره می‌کند «زمانی که حضرت ابراهیم(ع) خواست پدرش را نصیحت کند و نسبت به خطا و اشتباهات بزرگی که مرتکب شده بود با او سخن بگوید کلام را در نهایت ادب و خشوع و مهربانی بیان کرده است» (زمخشری، ۱۸ـــ۱۹). در پایان این بحث نتیجه می‌گیریم که تکرار در قرآن، اسلوب قرآنی خاصی است که دارای معانی بلاغی، و یکی از ابزارهای زبانی مهم در ساختار کلی سوره می‌باشد از بارزترین عوامل پدیدآورنده ساختار موسیقایی در این سوره در سطح آواها و تکرار با توازن واژگانی بوده که اهدافی چون؛ تقویت معنا و تاکید بر آن، هماهنگی معنا با ساختاری که در آن تکرار آمده است، جلب توجه انسان، تاکید بر پایبندی بر اخلاق، تاکید بر یگانه بودن مرجعیت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

قرآن، و مهمتر از همه اینکه تکرار الفاظ نقش مهمی در معناسازی داشته است.

۶ـ٤. تعریف و تنکیر

اسلوب معرفه و نکره یکی از اسالیبی است که متکلم برای بیان معنا، افکار، و احساساتی که مدنظرش است آن را به کار می‌برد، در سوره مبارکه «مریم» تنوع اسلوب معرفه و نکره را می‌بینیم، که هدف از بیان آنها تعظیم، تقریر، اختصاص، و دلالت بر عهد و عموم می‌باشد که به بیان نمونه‌هایی از آن بسنده می‌شود.

یکی از انواع معرفه، معرفه ب«أل» می‌باشد که در دو بخش «أل جنس» و «أل عهد» به آن پرداخته شده از مصادیق «أل جنس» در این سوره آیه «**قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا**» (مریم، ۱۰) «أل» در کلمه «الناس» بوده که مفید استغراق و عموم است و بر همه دلالت دارد، و آیه «**تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا**» (مریم، ۹۰) که ال در سه کلمه (السماوات، الأرض، الجبال) دربردارنده معنای عموم و شمول در مفرد و جمع می‌باشد، یعنی همه آسمانها، و همه زمین، و همه کوهها؛ اما معرفه بودن انسان در آیه «**وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا**» (مریم، ۶۶) دلالت بر جمعی از کافران دارد به قرینه آیه «**فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا**» (مریم، ۶۸) می‌توان در این آیه ال جنسیه را دلالت بر استغراق دانست که همه مردم را در برمی‌گیرد، اگر چه همه مردم آن را نگفته‌اند، اما زمانی که گوینده این سخن از انسانها باشد اسناد آن بر همه جایز است (ابن عاشور، ۱۴۴/۱۶). اما علت نکره آمدن بعضی از واژگان در سوره در بردارنده اغراض بلاغی خاصی است که سیاق جمله آن را مشخص می‌کند، همچون تعظیم، تکثیر، و تحقیر، و تقلیل. مثل نکره آمدن «شیبا» در آیه «...**اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا**...» که دلالت بر تکثیر و تفخیم دارد، گاهی اوقات سیاق آیه نقش بارز و حتمی را در تقریر معنایی که افاده تنکیر می‌کند دارد مانند: نکره بودن «عذاب» بر زبان حضرت ابراهیم (ع) در آیه «**يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ**

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا» (مریم، ۴۵) که در نگاه اول نکره بودن عذاب دربردارنده تعظیم می‌باشد یعنی می‌ترسم عذاب شدیدی وی را بگیرد که تحمل طاقتش را نداشته باشد در حالی که با دقت در سیاق آیه که حضرت ابراهیم در نهایت عطوفت و مهربانی پدرش را مورد خطاب قرار می‌دهد پس نمی‌تواند مدنظرش عذاب هولناک باشد تا جایی که صراحتا بیان نکرد که عذاب شامل او می‌شود بلکه اشاره به کلمات «خوف» و «مسّ» داشته و در نتیجه عذاب به شکل نکره آورده شده است.

در برخی از آیات می‌بینیم که معرفه و نکره در مقابل هم آمده‌اند؛ چنانچه در آیه «أَسْمِعْ بِهِمْ وَ أَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (مریم، ۳۸) «یوم» یک بار به صورت نکره آمده که می‌تواند علت نکره آمدن آن مجهول بودن زمان برپایی قیامت باشد در حالی که بار دوم که «الیوم» به صورت معرفه آمده بیانگر ال عهد حضوری می‌باشد یعنی روز حاضر که آنها در دنیا در آن هستند.

هموگونه که مشاهده می‌شود الفاظ در نهایت دقت بر اساس معنای مد نظر در ترکیبی بی‌بدیل بیان شده است که نشانگر معجزه بودن این کلام آسمانی است.

۶ـ۵. نداء

اسلوب «نداء» در قرآن یکی از اسالیب بسیار مهم است که در دل خود بسیاری از معانی بلاغی را دارد، اسلوب ندا در سوره مورد پژوهش جایگاه وسیعی را به خود اختصاص داده، و اهمیت آن به عنوان یکی از وسایل ارتباط و تفاهم بین مردم به حساب می‌آید، و وظایف بسیار مهمی را چون آگاه ساختن مخاطب، تاکید، ایجاز، و تأثیر... به عهده گرفته و یکی از نشانه‌های اعجاز قرآنی محسوب می‌شود.

نداء در سوره «مریم» (ع) به صورتهای مختلفی آمده است که به بخشی از آن اشاره می‌شود: ۱ـ نداء به لفظ جلاله «رب»، چون آیه ۴ سوره مبارکه مریم «**قال ربِّ إنّی وهَن العظمُ منّی واشتعل الرأسُ شیبا ولم أکن بدعائک ربِّ شقیّا**» در این اسلوب از نداء، حرف نداء «یا» با «رب» سبحانه و تعالی به کار نمی‌رود، و مجرد از حروف نداء می‌آید و این به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

ساختار نظمی که حالت دعا اقتضاء می‌کند برمی‌گردد چرا که موضع، موضع دعا، و ابتهال، و تضرع بوده و چون دعا کننده احساس غریبی و دوری نکند حرف ندا «یا» افتاده است (فیصل غوادرة، ۶۶۵)، ما در کل قرآن در دو موضع می بینیم که حرف نداء «یا» با لفظ جلاله «رب» آمده است ۱ـ آیه «۸۸» سوره مبارکه زخرف ۲ـ آیه ۳۰ سوره مبارکه فرقان. با دقت در آیه‌ای ۴ سوره مبارکه مریم، می‌توان فهمید که مضمون نداء و محتوایش: أـ شکوه به درگاه الهی از ناتوانی ب ـ پیری و سستی ج ـ و طلب فرزند است. چینش الفاظ و ترکیب کلمات نشان دهنده این است که حضرت زکریاء(ع) درخواستش را مستقیم از خداوند طلب نکرده، بلکه با یک مقدمه چینی با ذکر دلایل، باب گفتگویی را شروع کرده، تصویرسازی‌های مختلفی که از استعاره و کنایه به عمل آمده بیانگر حالت‌های روحی و جسمی حضرت زکریاء(ع) می‌باشد. اسلوب ندا در ابتدا و انتهای آیات و همچنین در قسمت‌های میانی آیات سوره مریم(ع) آمده که اغراض بلاغی خاصی برای هر یک می‌توان بیان کرد به عنوان مثال در ابتدای آیات «**يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا**» (مریم، ۷) و «**يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا**» (مریم، ۴۵) چنانچه در آیه ۷ مشاهده می‌شود نداء در پاسخ به درخواست حضرت زکریاء(ع) از خداوند، به صورت مستقیم و بدون تاخیر آمده، که این امر می‌تواند اشاره به مقام والای حضرت زکریا در نزد خداوند سبحان داشته باشد. همچنین مقدم بودن منادا برای جلب توجه مخاطب بوده که کاملا هوشیار در انتظار دریافت پیام می‌باشد.

اسلوب ندا در سوره مبارکه مریم کاربرد بسیار زیادی داشته که به اختصار به آن اشاره شد، تکرار اسلوب ندا در بیان معنای مورد نظر و اشاعه سایه رحمت و بخشش، مطابق با جو سوره بوده و بیشتر برای تقویت معنا و تاکید بر آن آمده، و کلمات هماهنگ و متناسب با جو عمومی گفتمان می‌باشد.

نتایج مقاله

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

۱ـ نظریه «نظم» نتیجه تفکر و تعمق در آیات الهی می‌باشد.

۲ـ از نظر عبدالقاهر واژه به تنهایی نمی‌تواند اثری در بیان معنا و حسن ترتیب عبارات داشته باشد؛ بلکه حسنِ نظم و بلاغتِ اسلوب از ترکیب جملات با یکدیگر و ترکیب آنها با معنایشان حاصل می‌شود.

۳ـ چنانچه حاصل شد، نظم مفهوم مرکبی است که علاوه بر اینکه در برگیرنده علم نقد و نحو و بلاغت بوده، دربردارنده عناصری چون، تعلیق، اسناد، ساختار، ترتیب، و معانی نحو می‌باشد.

۴ـ در سوره مبارکه مریم(ع) زیباترین جنبه‌های هنری در عالی‌ترین شکل و صورت جلوه‌گر بوده، و از بارزترین عوامل پدیدآورنده «نظم» در قرآن کریم مخصوصا سوره مبارکه مریم، تقدیم و تاخیر، تکرار و... بوده است.

۵ـ فایده‌ای که بر نظم مترتب است باعث می‌شود نویسنده یا ادیب الفاظ را با دقت در مناسب‌ترین جای خود قرار داده، و این نظم باعث می‌شود هر جمله رنگ‌آمیزی و ساختار ویژه و مخصوص به خودی داشته باشد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. آلوسی، محمود؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.

۳. ابن اثیر، ضیاءالدین؛ *المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر*، ج ۲، تصحیح: احمد الحوفی، قاهرة، نهضة مصر، ۱۹۵۹م.

۴. ابن عاشور، محمدبن طاهر؛ التحریر و التنویر، تونس، الدار التونسیة للنشر، ۱۹۵۹م.

۵. أبودیب، کمال؛ صور خیال در نظریه جرجانی، ترجمه: فرزان سجودی، و فرهاد ساسانی، ۱۳۸۴ش.

۶. جاحظ، أبوعثمان عمربن بحر؛ الحیوان، تحقیق: عبدالسلام هارون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۹م.

۷. الجندی، درویش؛ نظریة عبدالقاهر فی النظم، مکتبة نهضة مصر بالفجالة، ۱۹۶۰.

۸. الجرجانی، أبوبکر عبدالله بن عبدالرحمن؛ دلائل الإعجاز فی علم المعانی، تحقیق: محمود محمد شاکر، قاهرة، مکتبة الخانجی، ۲۰۰۴.

۹. حسان، تمام؛ البیان فی روائع القرآن، القاهرة، عالم الکتب، ط ۱، ۱۹۹۸.

۱۰. حسین، عبدالقادر؛ فن البلاغة، بیروت، عالم الکتب، ط ۱، ۱۹۸۴.

۱۱. حفنی، عبدالحلیم؛ اسلوب المجاورة فی القرآن الکریم، بیروت، بی‌تا.

۱۲. الحمصی، نعیم؛ فکرة إعجاز القرآن من البعثة النبویة إلی عصرنا الحاضر، بیروت، مؤسسة‌الرسالة، ط ۲، ۱۴۰۰ق.

۱۳. حوّی، سعید؛ الأساس فی التفسیر، قاهرة، دارالسلام، ۱۴۱۲ق.

۱۴. خامه‌گر، محمد؛ ساختار هندسی سوره‌های قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶.

۱۵. دهمان، احمدعلی؛ الصورة البلاغیة عند عبدالقاهر الجرجانی منهجا و تطبیقا، ج ۱، دمشق، دارطلاس للدراسات و الترجمة، ۱۹۸۶م.

۱۶. الرازی، فخرالدین بن ضیاءالدین؛ التفسیر الکبیر، بیروت، داراحیاءالکتب، ۱۹۸۶م.

۱۷. زرین‌کوب، عبدالحسین؛ نقد ادبی، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.

۱۸. الزمخشری، أبوالقاسم محمودبن عمر؛ تفسیر الکشاف عن حقائق التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۰.

۱۹. السیوطی، جلال الدین؛ المزهر فی علوم اللغة و أنواعها، ج ۱، القاهرة، دار احیاء مکتبة القاهرة، ط ۱، بی‌تا.

۲۰. السیوطی، جلال الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن، القاهرة، بی‌نا، ۱۳۶۰ق.

۲۱. شاذلی، سیدبن قطب؛ التصویر الفنی فی القرآن، القاهرة، دارالمعارف، ط ۹، ۱۹۸۰م.

۲۲. شاذلی، سیدقطب؛ فی ظلال القرآن، بیروت، ۱۴۱۲ق.

۲۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ رستاخیز کلمات، تهران، نشرسخن، ۱۳۹۱.

۲۴. شمیسا، سیروس؛ نقد ادبی، تهران، فردوس، ۱۳۸۱.

۲۵. الضامن، حاتم صالح؛ نظریة النظم تاریخ و تطور، بغداد، منشورات وزارة الثقافة، ۱۹۷۹م.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]

۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
۲۷. طبرسی، فضل بن الحسن؛ تفسیر مجمع البیان، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۸. طوسی، محمدبن الحسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث الأدبی، بی‌تا.
۲۹. عبدالفتاح خالدی،صلاح؛ اعجاز القرآن البیانی و دلائل مصدره الربّانی، دارعمان، ط۱، ۲۰۰۰م.
۳۰. العسکری، أبوالحسن؛ المصون فی الأدب، الکویت، دائرة المطبوعات و النشر، ۱۹۶۰م.
۳۱. العسکری، أبوهلال حسن بن عبدالله بن سهل؛ کتاب الصناعتیین: الکتابة و الشعر، تحقیق: بجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ۱۹۹۸م.
۳۲. العشماوی، زکی؛ «نظریهٔ نظم امام عبدالقاهر جرجانی»، ترجمه: محمدهادی مرادی، تهران، مجله زبان و ادب، شماره، ۲۹، بی‌تا.
۳۳. غوادره، فیصل حسین؛ «المستوی البلاغی فی سورة مریم»، مجلة الجامعة الاسلامیة بغزة، مجلد۱۶، ۲۰۰۸.
۳۴. الکواز، محمدکریم؛ سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن، ترجمه: حسین سیدی، چ ۱، تهران، نشرسخن، ۱۳۸۶.
۳۵. مازن، المبارک؛ الموجز فی تاریخ البلاغة العربیة، دمشق، ۱۹۸۱م.
۳۶. محمدمراد، ولید؛ نظریهٔ النظم و قیمتها العلمیهٔ، دمشق، دارالفکر، ۱۹۸۳.
۳۷. مندور، محمد؛ «النظم عند الجرجانی»، مجلهٔ الثقافهٔ، المجلد الخامس، العدد۲۱۹، السنهٔ الخامسهٔ، ص۱۴، ۱۹۴۳.
۳۸. مشرف، مریم؛ «نظم و ساختار در نظریه بلاغت جرجانی»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره۵۳، ۱۳۸۶ش.
۳۹. مطلوب، احمد؛ عبدالقاهر الجرجانی بلاغته و نقده، بیروت، ط۱، ۱۹۷۳م.
۴۰. نوروزی، علی؛ «واکاوی نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی»، همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران، تهران، خانه کتاب، ۱۳۹۰.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3]